

تضعیف دولت در شرایط جنگ!

حیبی... عباسی

مدیرکل روابط عمومی دفتر رئیس جمهور

دوازده روز نبرد سهمگین ۱۴۴، ایران را به یکی از جدی ترین برهه های تاریخ معاصر خود کشاند؛ بحرانی که نه فقط جنوب کشور، بلکه پایتخت و استان های مرکزی را نیز به طور مستقیم درگیر کرد و دولت را در یکی از پیچیده ترین آزمون های نظام جمهوری اسلامی قرار داد. این تنها آزمون برای تاب آوری در برابر تهاجم نظامی نبود، بلکه سنجشی برای انسجام اجرایی، پایداری خدمات عمومی، مهار روانی جامعه و هدایت افکار عمومی در شرایط حاد امنیتی بود. در چنین وضعیتی، دولت چهاردهم با هدایت دکتر مسعود پزشکیان، راهی متفاوت از سنت های معمول اتخاذ کرد. برخلاف توصیه های امنیتی که معمولاً بر مدیریت در سایه تأکید می کنند، رئیس جمهور نه تنها در صحنه ماند، بلکه در قلب بحران حضور یافت. او به جای مدیریت از راه دور، در کنار مردم ایستاد؛ در قرارگاه های عملیاتی، در مراکز توزیع خدمات عمومی و در رسانه ها. این سبک از حضور نه نمایشی بود و نه تبلیغاتی، بلکه نوعی بازتعریف از نقش رئیس جمهور در شرایط اضطراری بود؛ رئیس دولتی مسئول، پاسخگو و در میدان. دستاورد این الگوی مدیریتی، بر هیچ کس پوشیده نیست. پایداری خدمات در همه عرصه ها، عدم اختلال در زنجیره تأمین سوخت، استمرار توزیع مایحتاج ضروری، عملکرد درخشان درمانی و کنترل روانی جامعه در بحبوحه حملات موشکی و سایبری و حتی پس از آن.

با این حال، بلافاصله پس از پایان جنگ و آغاز مرحله بازسازی، پروژه ای خنده و البته سازمان یافته کلید خورد؛ یک عملیات تخریبی علیه رئیس جمهور که با هدف فراموشی این دستاورد ها و القای ضعف طراخی شده بود. انتظار می رفت پس از عبور موفق دولت از بحران، نهاد های رسمی و سیاسی کشور، هم راستا با مردم، از این موفقیت ملی پاسداری کنند و با تقدیر از دولت و رئیس جمهور، به تقویت انسجام اجتماعی روی آورند. اما بخشی از جریان های سیاسی، مسیر تخریب را برگزیدند. آنان، به جای هم صدایی با ملت و همراهی با حقیقت، به تحریف واقعیت و سیاه نمایی عملکرد دولت پرداختند.

تلاش برای دوقطبی سازی فضای سیاسی و القای ناکارآمدی، به ویژه از تریبون های خاص، در همین بازه شدت گرفت. نگران کننده تر آنکه برخی چهره ها، با زبانی گزنده، تعابیر و تحلیل هایی را وارد فضای عمومی کردند که نه فقط غیرمنصفانه، بلکه آشکارا در مرز توطئه و تهییج علیه جمهوریت قرار داشت. در صدر این موج، برخی دیپلمات های پیشین ایستادند و پس از گفت وگو ای اخیر رئیس جمهور با خبرنگار شناخته شده آمریکایی، با شدنی دو چندان ادامه یافت. رئیس جمهور در آن گفت وگو، از ضرورت تجدید نظر در الگوهای دیپلماتیک کشور و عبور از بن بست های سنتی سخن گفت؛ سخنانی که به هیچ وجه خارج از چارچوب قانون اساسی نبودند و حتی در حرف نخبگان دیپلماسی بین الملل، رویکردی عقلانی، صریح و مبتنی بر منافع ملی ارزیابی شدند، اما منتقدان، به جای تحلیل محتوایی مصاحبه، آن را به ابزاری برای زدن برچسب هایی همچون «سازش»، «نفوذ» و حتی « خیانت» بدل کردند.

موجی آغاز شده که هدف آن، نه نقد سیاست، بلکه ترور شخصیت رئیس جمهور بود. اوج این عملیات تخریب، در سخنان حیرت انگیز برخی افراد نمایان شد؛ از جمله یکی از چهره های نظامی و دیپلماتیک سابق که ادعاهایی عجیب و البته فاقد ارزش را مطرح کرد؛ از نسبت دادن پروژه نابودی جمهوری اسلامی به رئیس جمهور گرفته تا پیوند جعلی میان زن هخامنشی و خون امام حسین (ع)! او حتی مدعی شد «تمام فرماندهان نظامی پیش از جنگ حذف شده اند» و این یعنی «کودتا»، ادعایی بی پایه که در امتداد آن، بیانی سراسر بهتان مطرح شد: «باید علیه کودتا، کودتا کنیم؛ وگرنه دولت پزشکیان ایران را رایی می کند»؛ این سطح از گفتار، آشکارا فراتر از مرز نقد سیاسی است. آنچه شنیده شد، دیگر تحلیل نبود، بلکه شورش علیه جمهوریت بود. این سخنان، از زبان کسی بیان شد که سال ها در متن ساختار بوده و حالا، زبان خشونت و تفرقه را برگزیده است.

در ادامه همین روند، اظهار نظر تکان دهنده یکی از اعضای شورای شهر رشت نیز بر تگرانی ها افزود؛ او صریحاً خواستار آن شد که «اسرائیل، پزشکیان را ترور کند»! چنین جمله ای نه تنها سخیف و مغایر با موازین اخلاقی و انسانی است، بلکه رسماً در تعارض با امنیت ملی، قانون اساسی قرار دارد. اینکده علناً، چنین دعوتی به ترور رئیس جمهور بیان می شود، نشانه ای واضح از افراطی شدن بخشی از گفتمان سیاسی کشور است. آنچه اکنون در حال وقوع است، یک جنگ روانی تمام عیار داخلی علیه رئیس جمهور منتخب مردم است. جنگی که در آن، به جای رقابت سالم سیاسی، از ابزارهایی چون برچسب زنی، تحریف، تهمت، حذف و حتی تحریک به خشونت استفاده می شود. هر گامی که دولت برای تنش زدایی برمی دارد، بهانه ای برای حمله می شود. مصاحبه رئیس جمهور با رسانه های بین المللی، گفت وگو درباره کاهش فشار اقتصادی و تأکید بر تعامل عزتمندانه با جهان، همگی در تیرس حملاتی قرار گرفته اند، که به هیچ روی نمی توان گفت هدف شان اصلاح امور است. اکنون، پرسش صریحی پیش روی ماست: آیا پروژه های همدند برای حذف رئیس جمهور از صحنه سیاسی کشور، بخشی از رقابت سالم سیاسی و مکانیسم مردم سالاری است یا بخشی از پروژه ای بزرگ تر، نه فقط تضعیف جمهوریت و رأی مردم، بلکه تضعیف و عبور از کلیت نظام و حاکمیت؛ رئیس جمهور باید نقد شود، اما نقدی مبتنی بر منطق، انصاف، تحلیل و التزام به قانون اساسی. نه با تهاکی! زمانی که تریبون های رسمی به ابزار شکاف بدل می شوند، باید فکری کرد.

می دانیم، آنانکه چشم طمع به این آب و خاک دوخته اند، از هر سو کمین کرده اند و دیدیم در جنگ ۱۲ روزه چه کردند.

امروز، کشور بیش از هر زمان به انسجام ملی نیازمند است. انسجام نه به معنای تک صدایی، بلکه به معنای پایداری به قواعد اخلاقی، انسانی و قانونی و درک صحیح از مولفه های ارتقاء توان ملی. حمله به پزشکيان، تضعیف دولت در شرایط جنگ است و اگر امروز میدان مدیریت، به میدان تخریب بدل شود، دود آن به چشم مردم رفته و منافع آن برای متجاوزان خواهد بود.

غلامرضا انصاری در گفت وگو با «آرمان ملی»:

جنگ سرمایه اجتماعی را

افزایش داد



آمریکا و اسرائیل دنبال اجرای طرح خاورمیانه بزرگ هستند

اگر مسأله نفوذ را حل نکنیم، آسیب پذیر خواهیم ماند

آرمان ملی - احسان انصاری: جنگ ۱۲ روزه، کشور را در چه مسیری قرار داده است؟ مهم ترین معادلات این جنگ چه بود و ایران در این جنگ چه نقاط قوت و ضعفی داشت؟ آیا سرمایه اجتماعی شکل گرفته در دوران پس از جنگ می تواند نقش موثری در معادلات کشور داشته باشد؟ احتمال وقوع دوباره درگیری چقدر است؟ «آرمان ملی» برای پاسخ به این سوالات با دکتر غلامرضا انصاری سفیر پیشین ایران در ترکمنستان و فعال سیاسی اصلاح طلب گفت وگو کرده است. انصاری در این زمینه معتقد است: «طرح خاورمیانه بزرگ از مدت ها قبل بین آمریکا و اسرائیل مطرح شده و اتفاقاتی که در روزهای اخیر رخ داده، مانند آنچه در کردستان عراق و سوریه گذشت نشان می دهد که زنگ خطر برای طرح خاورمیانه بزرگ به صدا درآمده است. بدون تردید در این زمینه عامل مهمی که نتوانست در طول جنگ تحمیلی ۱۲ روزه ایران را پایدار نگه دارد، پایگاه مردمی بود. به همین دلیل حفظ پایگاه مردمی و

مهم ترین نکات و ویژگی های برجسته جنگ ۱۲ روزه را چه می دانید و به نظر شما این رویداد کشور را در چه مسیری قرار داده است؟

در سال های اخیر خالص سازی و رویکردی که برخی تندروها در کشور در پیش گرفته بودند سرمایه اجتماعی را کاهش داده بود. با این وجود هنگامی که کشور در جنگ ۱۲ روزه با تهدید خارجی مواجه شد، مشاهده کردیم که به رغم برخی تنگ نظری ها، مردم و تقریباً تمام گروه های شناخته شده سیاسی از هر طیف و سلیقه، حول مفهوم تمامیت ارضی و امنیت ملی جمع شدند و از کيان ملی حمایت کردند. این وضعیت حتی در بین اپوزیسیون خارج از کشور هم قابل مشاهده بود که به رغم تمام ضربه ها و آسیب ها، در این مقطع زمانی خاص به میدان آمدند و از کشور حمایت کردند. این وضعیت باعث شد تقویت همبستگی ملی و افزایش سرمایه اجتماعی شد و تردید نیست که این مهم، نقش موثری در آینده کشور ایفا خواهد کرد. جنگی که در طول این ۱۲ روز به کشور تحمیل شد، یک جنگ ترکیبی بود، شامل بخش آفندی، پدافندی، اطلاعاتی، امنیتی و تکنولوژی. در بخش آفندی نیروهای مسلح کشور در همان لحظات ابتدایی جنگ ضربات هولناکی را به دشمن صهیونیستی وارد کردند. رژیم صهیونیستی تلاش کرد جواخبار را بگیرد تا معلوم نشود که چه ضربه های دقیقی دریافت کرده است، اما از صحبت های ترامپ و همان اخبار حداقلی که از سوی رسانه های خارجی مطرح شد، می توان به سادگی نتیجه گرفت که ضربات نیروهای مسلح ایران به اسرائیل در طول این جنگ بسیار اساسی و کارآمد بوده است.

برخی معتقدند ضعف ما در این جنگ در بخش پدافند بوده و نه آفندی. آیا انتقادات مطرح شده را درست می دانید؟ توجه به این نکته لازم است که در این درگیری، برخی کشورهای منطقه توان پدافندی خود را در اختیار این رژیم قرار دادند تا جلو وارد شدن ضربه های بیشتر را بگیرند. با این وجود ایران توان خود را نشان داد. در مجموع ما هم مثل همه کشورهای دنیا از چنین اتفاقاتی می توانیم متوجه نقاط قوت و ضعف احتمالی باشیم و چنین اتفاقاتی ما را به احتیاط درصدد رفع نقاط ضعف خواهند بود. با همه اینها قدرت موشکی ایران به اندازه ای خوب عمل کرد که به رغم وجود انواع مواع گسترده در مسیر، توانست ضربات مهمی را به اسرائیل وارد کند. نکته قابل توجه این بود که برخی کشورهای دوست که در سال های اخیر اغلب خواسته های آنها توسط جمهوری اسلامی برآورده شده بود، در این درگیری از نظر تجهیزات کمکی به ما نکردند. با اینکه سیستم پدافند اس ۴۰۰ و برخی جنگنده های مدرن در اختیار کشورهایی مانند هند قرار گرفته بود، ایران نتوانسته هنوز از این ابزارها بهره مند شود. عدم حمایت در این ۱۲ روز از نظر تسلیحاتی از آن جهت اهمیت بیشتر پیدا می کند که در چند سال اخیر از نظر کمک های پیهادی، ایران دست گشاده ای داشته و به این کشور کمک کرده است. کمکی که حتی در مواردی هزینه هایی هم برای کشور داشته است.



از این بردن رویکرد خالص سازی در کشور می تواند سرمایه اجتماعی و همبستگی ملی را تقویت کند. به جای اینکه تمرکز ما معطوف به موی زنان باشد و در موضوعاتی از این قبیل ورود کنیم باید هرچه زودتر دست نفوذی ها را کوتاه کرد. هرچند وظیفه اصلی نهاد های امنیتی ما دقیقاً همین است و لازم است هرچه زودتر در این زمینه کاری انجام دهند و گزارش آن را به مردم برسانند تا موجب آرامش خاطر شهروندان شود. قبل از این درگیری فضای بسته ای وجود داشت که اکنون زمان بازنگری در آن فرارسیده است. صداوسیما یکی از ابزارهایی است که می تواند با تغییر رویه موجب ادامه همبستگی اجتماعی شود. تردید نیست که نسبت به عملکرد این رسانه مهم ابهامات متعددی پدید آورد و حتی برخی تحلیلگران در تحلیل های پسوند ملی را به کار نمی بردند. این رسانه نمی تواند با وجود تجربه ۱۲ روز درگیری به همان روش ادامه دهد.» در ادامه ما حاصل این گفت وگو را می خوانید.

از صحبت های ترامپ و همان اخبار حداقلی که از سوی رسانه های خارجی مطرح شد، می توان به سادگی نتیجه گرفت که ضربات نیروهای مسلح ایران به اسرائیل در طول این جنگ بسیار اساسی و کارآمد بوده است

یکی از چالش های مهم جنگ ۱۲ روزه، مسأله نفوذ بود. در این زمینه چه می توان کرد؟

تردید نیست که در این زمینه باید کارهای مهمی صورت گیرد. ما در همان لحظات اولیه فرماندهان ارشد و تعیین کننده خود را از دست دادیم و علاوه بر آن، در ادامه هم با پروژه نفوذ مواجه شدیم که در زیر پوست شهرها رخنه کرده بود. البته باید توجه داشت که ایران کشوری بسیار بزرگ است و مرزهایی بسیار طولانی دارد. عجیب نیست اگر در مواردی نفوذی ها وارد کشور شده باشند. اینهایی که وارد کشور شده اند، زمینه را برای حمله به تمامیت ارضی کشور برای اسرائیل فراهم کردند. متأسفانه پس از پایان درگیری دیده می شود که برخی عاقله دارند موضوعی بسیار مهم را تا حد برخی مهاجران غیرقانونی تقلیل دهند. کسی نمی گوید که در بین اتباع غیرقانونی چنین چیزی وجود ندارد اما تقلیل دادن آن به مهاجران غیرقانونی اجازه بررسی و حل موضوع را نمی دهد. البته گفته می شود که برخی از نیروهای امنیتی و اطلاعاتی افغان که توسط آمریکا در افغانستان آموزش دیده بودند در دولت قبل که سخت گیری به حداقل رسیده با برداشته شده بود، به عنوان مهاجر وارد کشور شده و نتوانسته اند با برنامه ریزی ضربه خود را وارد کنند. نکته این است که مساله چند وجهی و عمیقی مانند نفوذ باید همه جانبه بررسی و برطرف شود. به همین دلیل نیاز به یک پاسکاری عمیق وجود دارد که نفوذی ها را در سطوح مختلف باکسازی کند. آتش بس فعلی مبتنی بر قراردادهای بین المللی نیست و به همین دلیل هر لحظه احتمال شکنجه و شکنجه و درگیری وجود دارد. می دانیم که نخست وزیر جانیکار اسرائیل حیات خود را در تداوم تنش و درگیری می داند.

آتش بس فعلی مبتنی بر قرارداد بین المللی نیست و به همین دلیل هر لحظه احتمال شعله ور شدن درگیری وجود دارد. می دانیم که نخست وزیر جانیکار اسرائیل حیات خود را در تداوم تنش و درگیری می داند

غلامرضا ظریفیان مطرح کرد:

دوقطبی فرهنگ دینی و ملی باید کنار گذاشته شود

۲۰ میلیون دانش آموخته دانشگاهی وجود دارد که از این طریقت باید برای پیشرفت کشور استفاده شود. از سویی باید بین منافع ملی و توسعه ارتباط برقرار شود، لازمه دستیابی به این اهداف، ترجیح منافع ملی بر منافع جریانی است. طریفیان همچنین با بیان اینکه جامعه ما جامعه ای عزتمند بوده و دنبال زندگی شرافتمندانه است، گفت: حاکمیت و دولت باید با به کارگیری سازوکارهای درست اقتصادی، تلاش کنند که زندگی شرافتمندانه ای برای جامعه محقق شود. از سویی جامعه با محبت به هم پیوند می خورد. محبت، لطف و گذشت بسیار بهتر

در حالیکه فرهنگ دینی در ظرف جغرافیا و بستر تاریخی ایران شکل گرفته است، بنابراین باید این دوقطبی کنار گذاشته شود و موضوع ایران فراموش نشود، زیر ایران، مهم ترین عامل انسجام مردم با هر سلیقه و دیدگاه سیاسی و اجتماعی است. حتی آنها که سیاست های جاری کشور را قبول نداشته و منتقد هستند هم حول محور وطن گرد آمدند. این فعال سیاسی با بیان اینکه اولویت منافع ملی بر منافع جناحی را گریز به حاشیه برانده شود، غلامرضا ظریفیان گفت: متأسفانه در سالیان گذشته دوقطبی بین فرهنگ دینی و فرهنگ ملی ایجاد شده و تصور بر این بود که باید صرفاً به فرهنگ دینی توجه داشت.

گزارش

مورد خیلی عجیب بابک زنجانی

محکوم در حال تهدید مسئولان

آقای «ب. ز.» این روزها در فضای مجازی و احتمالاً واقعی، جولان می دهد. به ادعای خودش در ۹ ماه گذشته، گروه «دات وان» تاکنون ۲۰ شرکت ایجاد کرده که زمینه کاری آنها از اینترنتی تا تلویزیون اینترنتی و خدمت فرودگاهی و بورس خصوصی گسترده است. قسمت تلخ تر، اما تهدید آشکار مقامات کشور از سوی او است. او که پیش از این، حتی وقتی در زندان بود نیز بیژن زنگنه، وزیر نفت دولت یازدهم و دوازدهم را تهدید به زندانی شدن کرده بود. زنجانی در پاسخ به واکنش مدیر روابط عمومی بانک مرکزی که گفت او مجوز فعالیت اقتصادی ندارد، نوشت: «از این ثانیه پاسخگوت می کنیم این پست را حفظ کن.»

ماجرا چیست؟

زنجانی این روزها، در شبکه های اجتماعی، به ویژه شبکه ایکس مشغول اظهار نظر در همه حوزه ها است. او دو روز قبل درباره هک چند بانک در جریان جنگ دوازده روزه نوشت: «در سال ۱۴۰۲ به آقای فرزین، رئیس کل بانک مرکزی گفتم، نسل سوم بانکداری به پایان راه رسیده.» این اظهار نظر پرسش های زیادی را به وجود آورد. نخست اینکه زنجانی، مجرم محکوم به اعدام، چگونه و کجا با رئیس کل بانک مرکزی ملاقات داشته و به توصیه نیز کرده است؟ این شائبه ها باعث شد تا مصطفی قمری وفا، مدیر روابط عمومی بانک مرکزی در پاسخ به زنجانی بنویسد: «جناب کا لهریار و اربردهاکار به جای توصیه به مقامات کشور، بدهی خود به بیت المال را پرداخت کن؛ نیازی به راه حل های مششع شمانیست. تواز بانک مرکزی و هیچ نهاد قانونی کشور، مجوز فعالیت اقتصادی نداری و کمتر دروغ بگو!» به این ترتیب، مدیر روابط عمومی بانک مرکزی، تلویحاً دیدار زنجانی با فرزین را «دروغ» دانست. پس از این زنجانی در زیر پست قمری وفا نوشت که او «پاسخگو» می کند.

پشت ب. ز. به جاکرم است؟

ماجرا به همینجا ختم نمی شود. روز جمعه، زنجانی دوباره پستی منتشر و ادعایی مبنی بر دیدار با رئیس کل بانک مرکزی و توصیه به او را تکرار کرد: «تویت قبلی من درباره بانک مرکزی، صرفاً یک پیشنهاد فنی و توصیه راهبردی از حقوق شهروندی خودم بود.» او مدعی شد که هیچ وامی از بانک ها نگرفته و هیچ بدهی مالیاتی یا بدهی نداشته است. زنجانی حتی سوال کرد که آیا محمدرضا فرزین، رئیس کل بانک مرکزی به دلیل «دلر ۹۰ هزار تومانی، بانک های هک شده و میلیاردها دلار مسدودی» باید «سه بار معازات درباره دلایل ازادی زنجانی هنوز با واکنشی از سوی بانک مرکزی روبه رو نشده است. با این حال، برخی از فعالان فضای مجازی نسبت به جولان زنجانی واکنش نشان داده اند. محمود صادقی در این زمینه نوشته: «مقامات قضائی نمی خواهند درباره دلایل ازادی کسی که به موجب حکم قطعی به اعدام محکوم شده بود توضیحی بدهند؟ پشت ب. ز. به جاکرم است که اینگونه در مقابل مراجع رسمی شاخ و شانه می کشد؟» به عنوان پاسخی به این سوالت، باگز، نیز با انتشار پستی در شبکه ایکس نوشت: «بازار مجسمه بابک را در بازسازی برج آسیب دیده در جهان کودک بسازند و به عنوان سبیل وقاحت آن بالانصب کنند.»

از حکم اعدام تا آزادی

هنوز ابهام های زیادی درباره پرونده بابک زنجانی هنوز دارد. او سال ۱۳۹۲ با زداشت و سال ۱۳۹۵ به اعدام محکوم شد. پس از آن، مادر خیرها آمد که با بازگرداندن اموال و تسویه بدهی هایش به مبلغی نزدیک ۱ میلیارد ریور، با موافقت رهبری و تأیید قوه قضائیه، حکم اعدامش به ۲۰ سال حبس کاهش یافت. این خبر «اعلا محسین محسنی اژه ای» رئیس قوه قضائیه در بهمن ۱۴۰۳ داده بود. این خبر در حالی اعلام شد که جزئیاتی از نحوه انتقال اموال زنجانی و معادل نقدی برای اموال در دست نبود. چند روز بعد، «محمدرضا فرزین»، رئیس کل بانک مرکزی با تأیید این خبر اعلام کرد که اموال باگزدارنده شده به صورت «دارایی های ازبی» است و تماماً به بانک مرکزی منتقل شده است. در همین اوان، رسانه های منتسب به زنجانی آغاز به کار کردند و دی ماه سال گذشته بود که انتشار تصویری از زنجانی در کنار یک شیخ عرب، توسط رسول قوهیای زاده (وکیل او)، بار دیگر گمان های در خصوص آزادی یا مرخصی او را داغ کرد. با این حال در آن مقطع اصغر جهانگیر، سخنگوی قوه قضائیه، رسماً اعلام کرد که زنجانی نه آزاد شده و نه در مرخصی بسر می برد. با این همه در فروردین امسال، خبر قرارداد ۶۱ هزار میلیاردی بین راه آهن و شرکت «آوان ریل» منتسب به زنجانی همچون بمبی در فضای خبری منفجر شد. یک ماه بعد، در اردیبهشت، اصغر جهانگیر سخنگوی قوه قضائیه گفت که او «پیش از ۱۱ سال از محکومیتش را بدون استفاده از مرخصی سپری کرد و رد مالش انجام شد.» به گفته جهانگیر، زنجانی در مرخصی تحت «نظارت ضابطین» قرار دارد و مسئولیت فعالیت های اقتصادی او در دوران مرخصی با «دستگاه های ذی ربط» است. مشخص نیست که این دستگاه های ذی ربط دقیقاً اشاره به کدام نهاد ها و سازمان ها دارد، اما مدیر روابط عمومی بانک مرکزی گفته که زنجانی مجوز فعالیت اقتصادی ندارد. ۹ سال از دوران محکومیت زنجانی باقی مانده، اما به نظر نمی رسد این حکم تاریخی در بازگشت او به پشت صحنه اقتصاد ایران داشته باشد. او این بار، برخلاف دوران قبلی، آشکارا فعالیت خود را تبلیغ می کند و در شبکه های اجتماعی نیز جولان می دهد و همان طور که قبلاً مقامات دولت را تهدید به زندان کرده بود، مسئولان رسمی را مورد خطاب و تهدید قرار می دهد.